

بررسی جایگاه و کاربرد گویش گنابادی از منظر جامعه‌شناسی زبان

امید آزاد^۱

مجتبی منشی‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

چکیده

مقاله حاضر با هدف شناسایی موقعیت اجتماعی گویش گنابادی، از گویش‌های کهن ایرانی، با بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی مانند سن، تحصیلات، جنسیت و شهرنشینی بر کاربرد گونه گنابادی در حوزه‌های مختلف مانند خانواده، مدرسه، هنر، اماکن اداری، کوچه و خیابان، مذهب و سرگرمی انجام پذیرفت. روش، تحلیل حوزه‌ای و ابزار، پرسش‌نامه و مصاحبه است. روش نمونه‌گیری، تصادفی بود که بر مبنای آن، حجم نمونه‌ای متشکل از ۲۴۰ آزمودنی، از سه رده سنی به تفکیک هر گروه جنسیتی و به صورت مساوی از دو جامعه روستایی و شهری گناباد انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان داد که گنابادی، زبان غالب حوزه‌های غیررسمی و به‌ویژه خانواده است؛ هر چند در حوزه‌های رسمی‌تر مانند مدرسه و اداره، فارسی معیار، زبان غالب است. گرایش به استفاده از زبان فارسی در بین زنان بیشتر از مردان، گروه سنی جوانان بیشتر از دیگر گروه‌های سنی، تحصیل‌کردگان بیشتر از غیرتحصیل‌کردگان، شهرنشینان بیشتر از روستاییان در تمامی حوزه‌هاست. پس می‌توان گفت که گنابادی روند تدریجی زوال را در پهنه خراسان بزرگ طی می‌کند.

واژگان کلیدی: گنابادی، گویش در معرض خطر، نگرش، زوال

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران. (نویسنده مسؤل) oazad62@gonabad.ac.ir

۲. استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران.

۱- مقدمه

زبان، از بارزترین حوزه‌های فرهنگی و پدیده‌ای زنده، در معرض تحولات بنیادینی قرار گرفته‌است. پیامد این تغییر و تحول در پیکره زبان، کاهش سخنوران بومی، گرایش تدریجی به سوی زوال و گاه زوال کامل است. کمپل^۱ (۱۹۹۴) مرگ زبانی را زوال گونه زبانی به خاطر تغییر تدریجی به سمت زبان مسلط در تعاملات ارتباطی تلقی می‌کند. در واقع، در چنین وضعیتی پدیده دوزبانگی شکل می‌گیرد که براساس آن زبان زیرین را کمی از سخنوران در موقعیت‌های بسیار محدود به کار می‌برند و در نهایت کاملاً از بین می‌رود. در این پدیده، زوال تدریجی زبان زیرین در پیوستاری از تغییرات اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، پیوستاری که مؤلفه‌های سن، جنسیت و نگرش در بروز و شکل‌گیری آن می‌توانند نقش محوری ایفا کنند. جای تردید نیست که در فرایند حذف زبان‌ها و گویش‌های محلی، گویشوران زبانی تلاش خواهند کرد تا از زبان دیگری برای برقراری ارتباطات بینافردی استفاده کنند و این، سرآغازی است برای بهره‌گیری از زبان‌هایی که اعتبار اجتماعی و قدرت بیشتری در بین سخنوران یک جامعه زبانی دارند. بسیاری از زبان‌شناسان اجتماعی هشدار می‌دهند که ادامه این روند در گذر زمان، ممکن است منجر به کاهش تنوعات زبانی شود و زبان‌های با اعتبار و قدرت بیشتر در گستره وسیعی از پهنه جغرافیایی، جانشین زبان‌های گروه اقلیت با جایگاه و اعتبار اجتماعی پایین‌تر شوند.

زبان از عناصر ناگسستنی فرهنگ است و مرگ آن به معنای زوال نمادهای نشانه‌شناختی فرهنگی است. پرداختن به جایگاه و موقعیت گویش‌های ایرانی می‌تواند در حفظ تنوعات فرهنگی مؤثر باشد. گویش گنابادی از گویش‌های ایرانی نو، شاخه جنوب غربی در خراسان بزرگ است و در سال‌های اخیر، همسو با تحولات سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصون از تحولات نبوده‌است (کلباسی، ۱۳۸۸). با گسترش روزافزون رسانه‌های اجتماعی در فضای مجازی، آموزش و حوزه‌های مختلف اجتماعی که قدرت و نفوذ زبان رسمی در آنها مشهود است و گرایش بیشتر به این زبان صاحب قدرت، رفته‌رفته از میزان علاقه‌مندان و سخنوران زبان‌ها و گویش‌های محلی کاسته خواهد شد و مرگ یا اضمحلال زبانی جدی خواهد بود. پژوهش‌های علمی نیز نشان از اضمحلال گویشی در سرتاسر دنیا دارند؛ طبق تخمینی علمی در ۵۰۰ سال گذشته، نیمی از زبان‌های دنیا از بین رفته‌اند و مطابق با یک پیش‌بینی بدبینانه، تنها ۶۰۰ زبان دنیا در بلندمدت شانس بقا دارند (کراس^۲، ۱۹۹۲). از این‌رو،

1. Campbell
2. Krauss

بر آن شدیم تا با پژوهشی میدانی در شهر گناباد، به شناسایی جایگاه گویش گنابادی در زمان کنونی و موقعیت زبان‌شناختی آتی آن بپردازیم. پس به بررسی گستره کاربرد گنابادی در حوزه‌های مختلف و همچنین، نوع نگرش سخنوران نسبت به گویش مزبور پرداختیم.

۲- چارچوب نظری

از منظر جامعه‌شناسی زبان، دوزبان‌گونه‌گی عبارت است از نوع خاصی از معیارسازی که براساس آن دو گونه از یک زبان، در کنار هم زیست و هر یک نقش مهمی ایفا می‌کنند و در هر حوزه از تعاملات اجتماعی، استفاده از یکی از گونه‌ها ضروری است. زبان‌شناسان اجتماعی، عناوین زبان زیرین و زبان زبرین را برای این دو صورت زبانی انتخاب نمودند. زبان زبرین در بافت‌های رسمی و زبان زیرین در بافت‌های غیررسمی کاربرد دارد. به عبارت دیگر، زبان زبرین یا فراگونه معمولاً در مکاتبات رسمی، نامه‌های اداری، محیط‌های دانشگاهی و اخبار کاربرد دارد. حال آنکه در محاورات روزمره، رسانه‌های مجازی و ادبیات عامه، ردپای زبان زیرین یا فروگونه مشهود است (فرگوسن^۱، ۱۹۵۹).

فسولد^۲ (۱۹۸۴) دوزبانگی را مربوط به روان‌شناسی زبان و دوزبان‌گونه‌گی را مرتبط با جامعه‌شناسی زبان تلقی می‌کند. از نظر ایشان، دوزبان‌گونه‌گی عبارت است از تغییر از یک سبک کلامی، به سبک دیگر و آنگاه که گونه‌های زبرین و زیرین در هم ادغام می‌شوند، جایگاه دوزبان‌گونه‌گی تغییر می‌کند. پس دوزبان‌گونه‌گی، ویژگی اجتماعی است.

فیشمن^۳ (۱۹۹۶، ۱۹۶۷) با معرفی نظریه بسط‌یافته، بر همزیستی همزمان زبان معیار و زبان‌های قومی دیگر تأکید کرده و گفته که امروزه بر اثر تماس زبانی و افزایش حجم تعاملات زبانی و تغییر نقش زبان استاندارد به‌عنوان زبان میانجی، گونه استاندارد به زبان مشترک اقوام دوزبانه یا چندزبانه مبدل گشته‌است. بر این اساس، گویش یا زبان محلی در حوزه‌های خانواده، محیط‌های دوستانه و صمیمی استفاده می‌شود، حال آنکه گونه رسمی زبان (مانند فارسی معیار) در محیط‌های رسمی و آموزشی کاربرد دارد.

ریسنتو^۴ (۲۰۱۲) با طرح نظریه سلسله‌مراتب اجتماعی در مورد گویش‌ها و زبان‌ها، بر این باور است که ترتیب پایگانی را چهره‌های سیاسی یا رسانه‌های پرطرفدار تحمیل می‌کنند و این گونه به شکل مرسوم، زبان مادری فرد، اعتبار اجتماعی پایینی می‌یابد و در ارتباطات

1. Ferguson
2. Fasold
3. Fishman
4. Ricento

بینافردی و غیررسمی استفاده می‌شود. این شکل غیررسمی، معمولاً صورت مکتوب ندارد و نویسندگان به آن گویش نیز به باد انتقاد گرفته می‌شوند. اما، در این ترتیب پایگانی، گونه دیگری نیز وجود دارد که از منزلت اجتماعی دارد و در ارتباطات رسمی و نوشتاری به کار می‌رود. فراگیری این گونه معتبر، جز با آموزش رسمی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، از منظر او در جوامعی که نابرابری اجتماعی برجسته است، غالب مردم در کاربست مؤثر گونه معتبر توانایی و مهارت ندارند.

وورم^۱ (۲۰۰۲) نیز نظریه مخاطره زبانی را در حوزه دوزبان‌گویی مطرح می‌کند و به شناسایی پنج سطح از مخاطره زبانی مبادرت می‌ورزد. ایشان سطح نخست را بالقوه در معرض خطر نام می‌نهد. این مرحله آنگاه سر بر می‌آورد که بچه‌ها ترجیح دهند تا از زبان مسلط استفاده کنند و به شکل ناقصی زبان زیرین را بیاموزند. در مرحله دوم زبان در معرض خطر است و کم‌سن‌وسال‌ترین سخنوران زبان، بزرگسالان‌اند. در این مرحله بچه‌ها، سخنوران زبان نیستند و اگر باشند محدودند. در مرحله سوم، زبان به صورت جدی در معرض خطر است و میان‌سالان جوان‌تر و در پاره‌ای از موارد مسن‌تر، جوان‌ترین سخنوران آن جامعه زبانی‌اند. در مرحله چهارم، زبان، کاملاً در معرض خطر یا مرگ قرار می‌گیرد، در زمانی که سخنوران محدودی در آن جامعه زبانی باقی بماند. در مرحله نهایی، شاهد مرگ زبانی خواهیم بود که هیچ سخنوری در جامعه زبانی مشاهده نمی‌شود.

نرسیسیانس (۱۳۶۴، ۷۴-۷۷) با طبقه‌بندی سه‌گانه از روند دوزبان‌گویی در ایران معاصر، طبقه اول را همزیستی فارسی ادبی با فارسی گفتاری می‌انگارد. پیدایش فارسی گفتاری، نتیجه رشد شهرنشینی و آمیزش گویش‌های محلی بوده است. اما از منظر ایشان، برجسته‌ترین نوع دوزبان‌گویی در ایران، نوع دوم آن است؛ همزیستی زبان فارسی استاندارد با یک گویش محلی. بر این اساس، غالب ایرانیان هنگام گفت‌وگو با اعضای خانواده به گویش محلی سخن می‌گویند اما در تعاملات زبانی در کوچه، بازار و محل کار، از فارسی معیار بهره می‌گیرند. وی طبقه سوم را هم معرفی می‌نماید که در آن گروه‌های قومی در مکالمات داخلی به زبان محلی سخن می‌گویند و در مکالمات رسمی، از گونه استاندارد. از منظر ایشان، غالب سخنگویان این اقوام، با طی کردن دوزبانگی کامل و دوزبانگی تک‌زبانی، به‌ویژه در مورد نسل اول، به حالت دوزبانگی کامل رسیده‌اند. پس، دوزبانی این گروه، حتی بیشتر از حالت همزیستی فارسی استاندارد با یک گویش یا لهجه محلی، شکل دوزبان‌گویی پیدا کرده است.

1. Wuhrm

۳- پیشینه پژوهش

فیشرمن (۱۹۶۶) به مطالعه گسترده کاربرد زبان مادری، در بین مهاجران ساکن در آمریکا مبادرت ورزیده است. پژوهش ایشان نشان داد که زبان انگلیسی به‌مثابه زبان معیار، در تمامی حوزه‌ها به جز حوزه‌های خصوصی، جانشین زبان مادری مهاجران گشته است. از سویی دیگر، پژوهش گال در سال ۱۹۷۹، در منطقه دوزبانه آلمانی- مجاری اوبروات اتریش، حکایت از آن داشت که حوزه‌های مختلف اجتماعی، مخاطب و اعتبار اجتماعی زبان، از عواملی هستند که کاربرد هر یک از این دو زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فسولد (۱۹۸۴) با بهره‌گیری از رویکرد حوزه‌ای، نقش مؤلفه‌های مخاطب و موقعیت بر کاربرد زبان انگلیسی سرخ‌پوستان تیوا را واکاوی و نتیجه‌گیری کرده که قبایل سرخ‌پوست تیوا، از انگلیسی، به‌مثابه زبان استاندارد، برای برقراری ارتباط بهره می‌گیرند.

اوسوبا و آلیوسو^۱ در سال ۲۰۱۶ استدلال کردند که در نیجریه با وجود گرایش بیشتر مردم به استفاده از گونه پی‌جین نیجریه‌ای (به دلیل تنوع گونه‌های زبانی در این کشور) سیاست زبانی کشور کاربست گسترده انگلیسی بوده است. در نتیجه، بیشتر خانواده‌ها، فرزندان خویش را به استفاده از انگلیسی تشویق کرده‌اند و استفاده از گونه‌های محلی، تنها در برخی از موقعیت‌های غیررسمی مشاهده می‌شود. پیامد تلخ این سیاست، از منظر نویسندگان، اضمحلال و مرگ گونه‌های زبانی بومی در این کشور و استیلای زبان انگلیسی بوده است.

زندى و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی دوزبان‌گویی و نقش مؤلفه‌های اجتماعی سن، جنس، تحصیلات و شغل بر کاربرد فارسی و ترکی در شهرستان اردبیل پرداخته‌اند؛ جوانان در مقایسه با کهنسالان، زنان در مقایسه با مردان و افراد با تحصیلات بالا در مقایسه با سخنگویان با تحصیلات پایین، بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند و در حوزه‌های آموزشی و اداری، بیش از سایر حوزه‌ها کاربست زبان فارسی مشهود است.

احمدی و زندی (۱۳۹۷) به بررسی جایگاه کاربردی زبان‌های فارسی و کردی در منطقه اورامانات (پاوه جواهرود روانسر و ثلاث باباجانی) از منظر زبان‌شناسی اجتماعی مبادرت ورزیدند. پژوهش حکایت دارد که جوانان و تحصیل‌کردگان در حوزه‌های اداری، آموزشی و دوستی نسبت به سایر حوزه‌ها بیشتر زبان فارسی را به کار می‌برند.

عموزاده (۱۳۸۱) با بررسی روند همگرایی و موقعیت‌های دوزبان‌گویی نتیجه می‌گیرد که بخش زیادی از تغییرات گویش مازندرانی، حاصل همگرایی این زبان با زبان معیار بوده است. از

1. Osoba & Alebiosu

منظر ایشان، افزون بر فرایند تجددگرایی، گاه اتخاذ سیاست‌های فرهنگی نادرست و قضاوت‌های ارزشی غیرعلمی مردم نیز می‌تواند زمینه‌ساز مرگ گویش‌ها شود.

فراستی، صابری و ویسی (۱۳۹۸) در پژوهش خویش با بررسی گستره فرسایش و تغییرات زبانی از لحاظ جنسیت و گروه سنی در میان دو گروه ایلامی‌های بومی و ایلامی‌های مقیم تهران اظهار داشتند که در جامعه زبانی زیر ۲۰ سال، بیشترین فرسایش و تغییر زبانی مشاهده شده‌است و در هر دو گروه آزمودنی، فرسایش زبانی در بین زنان بیشتر از مردان است. سطح زبانی بارزی متأثر از روند فرسایش زبانی سطح واژگانی است.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی پدیده رمزگردانی در افراد دوزبانه کردی کلهری-فارسی نشان دادند که سخنگویان زبانی در حوزه‌های خانواده، همسایگی، دوستان و اداری به شکل معناداری بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند و کاربست زبان کلهری، در دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه، بیشتر از مقاطع دوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی است. از سویی دیگر، کاربست گونه کلهری، در بین دختران، بیشتر از پسران است. مشایخ (۱۳۸۱) با مقایسه حوزه‌های کاربردی زبان فارسی و گیلکی اظهار می‌دارد که در مجموع، والدین علاقه‌مندند تا فرزندان آنها از زبان فارسی استفاده نمایند و گرایش خود این فرزندان نیز آن است که فرزندانشان به زبان فارسی تکلم کنند. ذوالفقاری انارکی (۱۳۸۱) موضوع حفظ زبانی و تغییر زبانی در باب گویش بختیاری شهر مسجد سلیمان را بررسی کرده و عوامل تأثیرگذار در زوال زبان‌ها را معرفی نموده‌است. زندگی، روشن و نصیری الموتی (۱۳۹۰) با بررسی جایگاه اجتماعی زبان فارسی و گویش تنکابنی، در شش حوزه اجتماعی نشان دادند که در همه این حوزه‌ها، زبان فارسی، زبان غالب است و رفته‌رفته، حتی در موقعیت‌های غیررسمی، جایگزین زبان فارسی شده‌است. قریشی، حاجی‌آبادی و مبارکی (۱۳۹۳) نیز، موضوع زوال یا بقای گویش بیرجندی را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران نشان دادند که میزان کاربرد گویش بیرجندی در بین جوانان رفته‌رفته رو به کاهش است و هر چقدر حوزه کاربرد زبان رسمی‌تر می‌شود، به همان میزان، کاربرد گویش بیرجندی کاهش می‌یابد. بشیرنژاد (۱۳۹۷) به بررسی جایگاه اجتماعی گونه زبانی مازندرانی در کنار زبان فارسی مبادرت ورزید. پژوهش ایشان نشان داد که هرچه موقعیت کاربرد زبان رسمی‌تر می‌شود میزان کاربرد گونه مازندرانی کاهش می‌یابد و در گروه‌های سنی پایین‌تر، شاهد کاربرد گسترده زبان فارسی هستیم. از سویی دیگر، در حوزه‌های موضوع‌محور مانند مذهب، هنر و سرگرمی گونه مازندرانی بر فارسی رجحان دارد.

۴- روش‌شناسی

در پژوهش میدانی حاضر، تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی به‌مثابه مؤلفه‌های مستقل، بر میزان و بسامد استفاده از گویش گنابادی به‌مثابه متغیر وابسته بررسی شد. در وهله نخست، از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و اگر آزمودنی‌ها تحصیلات لازم برای تکمیل پرسش‌نامه نداشتند با آنان مصاحبه شد. در تجزیه و تحلیل عملکرد حوزه‌ای، از روش تحلیل حوزه‌ای فیشمن (فیشمن، ۱۹۹۶ و ۱۹۶۷) و همچنین، برای تدوین پرسش‌نامه‌ها و حوزه‌بندی‌ها، از چارچوب پژوهشی گل^۱ (۱۹۷۹) استفاده شده است. پرسش‌نامه متشکل از ۴۰ پرسش بسته بود که ناظر بر پرسش‌های مختلف در دو گروه مجزاست. گروه نخست ناظر بر پرسش‌هایی است که بر کاربست گویش گنابادی در حوزه‌های مختلف مانند محیط خانواده، کوچه و بازار، مراسم مذهبی، محیط کسب و کار، هنر و سرگرمی مربوط می‌شوند و گروه دوم ناظر بر پرسش‌هایی است که به شکل آشکار یا غیرمستقیم دیدگاه‌ها و نگرش‌های سخنوران گنابادی در مورد فارسی و گنابادی را بررسی می‌کند و مرتبط با احساسات و نوع نگاه سخنوران نسبت به سرنوشت گویش گنابادی است. گویه‌های پرسش‌نامه با هدف بررسی گونه زبانی مورد استفاده (فارسی، گنابادی) طراحی شده و متخصصان روایی صوری و محتوایی آنها را تأیید کردند. برای تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده و آزمون t مستقل^۲ و تحلیل واریانس یک‌طرفه^۳ به کار گرفته شد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش دختر و پسر مقطع متوسطه (گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال) در شهر گناباد، گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال و همچنین گروه سنی بالای ۵۰ سال است. برای تکمیل پرسش‌نامه، در مجموع، چهار دبیرستان (دو دخترانه و دو پسرانه) برمبنای پراکندگی در مرکز و حاشیه شهر انتخاب شد. انتخاب دانش‌آموزان نیز تصادفی است. انتخاب گویشوران در گروه‌های سنی بالاتر در نقاط متنوع شهری و از گروه‌های مختلف اجتماعی است. برای اینکه تأثیر عامل شهرنشینی را نیز بررسی کنیم ۴۰ نفر از هر گروه سنی جامعه روستایی و ۴۰ نفر از هر گروه سنی جامعه شهری به تعداد مساوی از هر گروه جنسیتی انتخاب گردیدند. در مجموع حجم نمونه ۲۴۰ نفر است. برای بررسی میزان کاربرد زبان، از روش تحلیل حوزه‌ای استفاده شد که برمبنای آن بسامد کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف مانند خانواده، مدرسه، هنر، اماکن اداری، کوچه و خیابان، مذهب و سرگرمی بررسی شد. در واقع، مؤلفه‌های

1. Gal

2. Independent T-Test

3. One-way ANOVA

اجتماعی مانند سن، تحصیلات، شهرنشینی و جنسیت نیز می‌تواند بر نحوه و کاربرد زبان مؤثر باشد. از این‌رو، میزان تأثیر مؤلفه‌های مزبور، بر نحوه و میزان کاربرد زبان بررسی شد. موقعیت و بافت، نوع مخاطب، موضوع و هدف گفت‌وگو از مؤلفه‌هایی هستند که ممکن است اهل زبان را وادار سازند تا به تناوب از گویش بومی خود یا از زبان فارسی معیار بهره گیرند. نیز نمی‌توان نقش محوری نگرش زبانی را از نظر دور داشت چراکه به باور بسیاری از زبان‌شناسان اجتماعی، بروز نگرش منفی در بین سخنوران، زمینه‌ساز تغییر خواهد بود و در صورت شکل‌گیری نگرش منفی در بین سخنوران روند اضمحلال و مرگ آن گویش یا زبان، سرعت بیشتری خواهد گرفت (فسولد^۱ ۲۰۱۴). از این‌رو، با بررسی نوع نگرش غالب در باب یک گویش یا یک زبان، چشم‌انداز و تصویر روشن‌تری از موقعیت کاربردی آن در آینده روشن خواهد شد. بنابراین، جستار حاضر، نوع نگرش و دیدگاه‌های اهل زبان نسبت به موقعیت گویش گنابادی در آینده را نیز بررسی می‌کند.

۵- یافته‌ها

۵-۱- بررسی کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف

۵-۱-۱- حوزه خانواده

همچنان‌که هادسون^۲ (۱۹۹۶) اشاره می‌کند حتی در بین هر یک از اعضای خانواده نیز می‌توان گونه منحصربه‌فرد زبانی را مشاهده کرد. در جدول زیر، درصد و فراوانی استفاده از فارسی یا گنابادی به‌مثابه زبان اول، به تفکیک سه گروه سنی نشان داده شده‌است.

جدول ۱- میزان فراگیری فارسی و گنابادی به‌عنوان زبان اول در حوزه خانواده در شهر گناباد

مجموع	گنابادی		فارسی		زبان گروه سنی
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱۰۰	۸۰	۳۲٫۵	۲۶	۶۷٫۵	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۷۷٫۵	۶۲	۷٫۵	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۹۲٫۵	۷۴	۷/۵	۵۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۲۴۰	۶۷٫۵	۱۶۲	۳۲٫۵	مجموع آزمودنی‌ها

براساس نتیجه آزمون تی مستقل و با توجه به داده‌های جدول بالا، در گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، فرض برابری میانگین‌ها در زمینه فراگیری فارسی و گنابادی، با اطمینان ۹۵ درصد

1. Fasold
2. Hudson

رد می‌شود ($t=-26/43, P=0/000<0/05$). عدم برابری میانگین‌ها در گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال ($t=-34/13, P=0/000<0/05$) و نیز گروه سنی ۵۰ سال و بیشتر نیز دیده شد ($t=-18/4, P=0/000<0/05$). این نتیجه، حکایت از روند افزایشی آموزش زبان فارسی در خانواده‌های گنابادی و بیانگر سیر نزولی فراگیری گویش گنابادی به‌عنوان زبان اول است. علاوه بر میزان فراگیری گونه زبانی مورد نظر به‌عنوان زبان اول، معیار دومی هم برای شناسایی زبان مادری افراد در نظر گرفته شد و آن میزان تسلط سخنوران بر زبان است.

جدول ۲- میزان تسلط افراد به فارسی یا گنابادی در سطح شهر گناباد

مجموع		گنابادی		فارسی		زبان غالب گروه سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۸۰	۴۸,۷۵	۳۹	۵۱,۲۵	۴۱	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۸۳,۷۵	۶۷	۱۶,۲۵	۱۳	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۹۸,۷۵	۷۹	۱,۲۵	۱	۵۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۲۴۰	۷۷,۰۸	۱۸۵	۲۲,۹۱	۵۵	مجموع آزمودنی‌ها

براساس نتیجه آزمون تی مستقل و با توجه به داده‌های جدول بالا، در گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، فرض برابری میانگین‌ها در زمینه تسلط سخنگویان به فارسی و گنابادی، با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود ($t=-16/43, P=0/000<0/05$). عدم برابری میانگین‌ها در گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال ($t=-24/13, P=0/000<0/05$) و نیز گروه سنی ۵۰ سال و بیشتر نیز دیده شد ($t=-17/4, P=0/000<0/05$). بنابراین، برپایه داده‌های گروه سنی نخست، می‌توان گفت که گرایش به فراگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان غالب روند افزایشی به خود گرفته‌است. درباره زبان کاربردی در زمان برقراری ارتباط با اعضای خانواده و فامیل نیز سؤال شد.

جدول ۳- میزان استفاده از گویش گنابادی به تفکیک گروه سنی و مخاطبان آنها در سطح شهر گناباد

مخاطبان		گروه سنی		۱۲ تا ۱۷		۲۵ تا ۳۵		۵۰ سال و بیشتر	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۸۰	۹۵	۷۶	۵۳,۷۵	۴۳	۹۵	۷۶	۱۰۰	۸۰
۹۳,۷۵	۷۵	۹۰	۷۲	۲۸,۷۵	۲۳	۹۰	۷۲	۹۳,۷۵	۷۵
۹۷,۵	۷۸	۹۲,۵	۷۴	۴۳,۷۵	۳۵	۹۲,۵	۷۴	۹۷,۵	۷۸
۱۰۰	۸۰	۹۵	۷۶	۴۷,۵	۳۸	۹۵	۷۶	۱۰۰	۸۰
۱۰۰	۸۰	۹۵	۷۶	۷۸,۷۵	۶۳	۹۵	۷۶	۱۰۰	۸۰
۸۳,۷۵	۶۷	۳۲,۵	۲۶	۳۶,۲۵	۲۹	۳۲,۵	۲۶	۸۳,۷۵	۶۷

نتیجه تحلیل واریانس درون‌گروهی ($F=4/158, P=0/000<0/05$) و بین‌گروهی ($F=4/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول بالا، فرض برابری میانگین‌ها در زمینه کاربرد گنابادی در گروه‌های سنی متفاوت و در تعامل با مخاطبان مختلف تأیید نمی‌شود.

۵-۱-۲- حوزه مدرسه

برای کسب اطلاعات بیشتر از میزان استفاده دانش‌آموزان از فارسی و گنابادی در مدرسه، از آنها در مورد زبانشان در تعاملات با معلم، دانش‌آموز و ... و نیز در موقعیت‌های مختلف مدرسه مانند کلاس درس، حیاط و ... سؤال شد.

جدول ۴- کاربرد زبان فارسی در بافت‌های مختلف موقعیتی مدرسه

موقعیت	دانش‌آموز با دانش‌آموز در حیاط مدرسه	دانش‌آموز با معلم در حیاط مدرسه	دانش‌آموز با معلم در دفتر مدرسه	دانش‌آموز و مدیر در دفتر مدرسه	دانش‌آموز و معلم در کلاس درس
میانگین	۶۶٫۲٪	۵۲٫۲۵٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۹۶٫۴٪

براساس نتیجه آزمون تی مستقل و با توجه به داده‌های جدول بالا، میانگین عملکردی دانش‌آموز با معلم و مدیر در محیط‌های مختلف آموزشی از یک سو، و دانش‌آموز با دانش‌آموز و مستخدم از سویی دیگر، متفاوت است ($t=-12/43, P=0/000<0/05$). تفسیر این یافته آن است که معلم می‌کوشد تا با استفاده از زبان رسمی، در جهت پایایی موقعیت و رابطه رسمی خود و دانش‌آموز تلاش نماید، هرچند در نوع ارتباط بین دانش‌آموزی و دانش‌آموز و مستخدم، کاربرد زبان تابعی از موقعیت به‌کاررفته و زبان مادری سخنوران گنابادی است.

۵-۱-۳- حوزه اداری

جدول (۵) بیانگر میزان استفاده از زبان فارسی در این حوزه است.

جدول ۵- میزان استفاده از زبان فارسی در گروه‌های سه‌گانه در محیط‌های مختلف اداری

میزان کاربرد فارسی	۱۷-۱۲	۳۵-۲۵	بالای ۵۰ سال
پزشک	۹۶٫۴	۷۶٫۲۴	۴۷٫۸
منشی پزشک	۹۲٫۳	۶۴٫۸	۳۱٫۷
کارمند	۷۸٫۶	۳۵٫۸	۱۸٫۴۷

براساس نتیجه تحلیل واریانس درون‌گروهی ($F=4/158, P=0/000<0/05$) و بین‌گروهی ($F=4/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان بر تفاوت معنادار

میانگین‌ها در زمینه کاربرد فارسی در گروه‌های سنی متفاوت و در محیط‌های اداری مختلف مهر تأیید گذاشت. نکته برجسته در جدول بالا ارتباط بین مؤلفه سن و میزان کاربست زبان فارسی در موقعیت‌های مختلف اداری است؛ هرچه سن کمتر باشد، گرایش به استفاده از زبان فارسی نیز بیشتر است. نیز جایگاه اجتماعی مخاطبان بر بسامد کاربرد زبان فارسی سخنوران رده‌های مختلف سنی تأثیرگذار است.

۴-۱-۵- حوزه شهری

براساس بررسی‌های انجام‌گرفته بین سن و میزان کاربست فارسی در محیط شهری رابطه معکوس وجود دارد.

جدول ۶- درصد کاربرد زبان فارسی در میان گروه‌های مختلف سنی در سطح شهر گناباد

گروه سنی	۱۲ تا ۱۷		۲۵-۳۵		بالای ۵۰ سال	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مخاطب معلم	۶۷	۸۳,۷۵	۲۱	۲۶,۲۵	۱۹	۲۳,۷۵
مغازه‌دار	۶۱	۷۶,۲۵	۲۳	۲۸,۷۵	۳	۳,۷۵
همسایه	۳۶	۴۵	۱۲	۱۵	۱	۱,۲۵
جوان غریبه	۷۱	۸۸,۷۵	۵۶	۷۰	۱۳	۱۶,۲۵
کهنسال غریبه	۱۸	۲۲,۵	۶	۷,۵	۵	۶,۲۵
راننده	۵۲	۶۵	۱۰	۱۲,۵	۴	۵

براساس نتیجه تحلیل واریانس درون گروهی ($F=13/158, P=0/001<0/05$) و بین گروهی ($F=14/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان بر تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه کاربرد فارسی در گروه‌های سنی متفاوت و در محیط‌های شهری مختلف، مهر تأیید گذاشت.

۵-۱-۵- حوزه مذهب، هنر و سرگرمی

جدول ۷- میزان علاقه‌مندی به زبان فارسی در حوزه‌های هنری در سه گروه سنی

گروه سنی	۱۲ تا ۱۷		۲۵ تا ۳۵		۵۰ سال و بیشتر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
حوزه هنری شعر	۷۶	۹۵	۷۱	۸۸,۷۵	۱۲	۱۵
تأثیر	۶۵	۸۱,۲۵	۵۱	۶۳,۷۵	۲۲	۲۷,۵
موسیقی	۶۷	۸۳,۷۵	۵۹	۷۳,۷۵	۱۰	۱۲,۵
فیلم سینمایی	۷۳	۹۱,۲۵	۵۶	۷۰	۲۷	۳۳,۷۵
داستان	۶۹	۸۶,۲۵	۳۷	۴۶,۲۵	۱۶	۲۰

براساس نتیجه تحلیل واریانس درون گروهی ($F=11/268, P=0/001<0/05$) و بین گروهی ($F=10/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان بر تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه کاربرد فارسی در گروه‌های سنی متفاوت و در حوزه‌های هنری مختلف مهر تأیید گذاشت. با افزایش سن و در گروه‌های سنی بالاتر، گرایش نسبت به زبان فارسی کمتر می‌شود.

از سوی دیگر، با توجه به گستردگی نفوذ تلویزیون در بین سرگرمی‌ها و در دسترس بودن آن در بین همه طیف‌های سنی، از آزمودنی‌ها در مورد اینکه ترجیح آنها برای تماشای برنامه‌های تلویزیون به چه زبانی است سؤال شد. در جدول (۸) نتایج نشان داده شده‌است.

جدول ۸- میزان گرایش علاقه‌مندان به زبان فارسی در زمینه برنامه‌های تلویزیون

گروه سنی		۱۲ تا ۱۷		۲۵ تا ۳۵		۵۰ سال و بیشتر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زبان مسلط		۹۷,۵	۶۷	۸۳,۷۵	۱۴	۱۷,۵	
فارسی		۷۸					

براساس نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=9/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان بر تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه گرایش علاقه‌مندان به زبان فارسی در زمینه تماشای برنامه‌های تلویزیون در گروه‌های سنی متفاوت مهر تأیید گذاشت. مطابق با اعداد جدول بالا، گرایش به تماشای برنامه‌های تلویزیون در بین گروه‌های سنی پایین‌تر بیشتر است. در حوزه مذهب مشخصاً از آزمودنی‌ها پرسیدیم که با چه زبانی با خدای خود راز و نیاز می‌کنند. جدول (۹) میزان گرایش به استفاده از زبان فارسی در حوزه مزبور را نشان می‌دهد.

در حوزه مذهب نیز بیشترین میزان بهره‌گیری از زبان فارسی در بین گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال با ۸۶,۲۴ درصد و کمترین میزان بهره‌گیری از آن، در بین گروه سنی بالای ۵۰ سال، با میانگین ۱۲ درصد مشاهده شد. این رقم، در گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال ۳۲,۴ درصد بوده‌است. براساس نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=14/124, P=0/000<0/05$) و با توجه به داده‌های جدول تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه کاربرد فارسی در گروه‌های سنی متفاوت و در حوزه مذهبی مشاهده شد.

۵-۲- ارتباط بین مؤلفه‌های اجتماعی و کاربست زبان

همچنان که مشاهده شد، در گروه‌های سنی پایین‌تر، ما شاهد افزایش استفاده از زبان فارسی هستیم حال آنکه در گروه‌های سنی بالاتر، گرایش به استفاده از زبان فارسی کمتر است. از سویی دیگر، میزان استفاده از زبان رسمی، مطابق با مطالعات جامعه‌شناسی زبان در بین زنان بیشتر از مردان است. در جدول زیر، میزان کاربست زبان فارسی دختران و زنان در هر دو گروه سنی آغازین در حوزه خانواده نشان داده شده‌است.

جدول ۹- کاربست زبان فارسی مردان و زنان در گروه‌های سه‌گانه

۲۵ تا ۳۵		۱۲ تا ۱۷		گروه سنی / مخاطبان
دختر/زن	پسر/مرد	دختر	پسر	
۶۱	۴۲	۷۴	۵۲	پدر و مادر
۸۱	۵۲	۹۳	۷۱	خواهر یا برادر کوچک‌تر
۶۳	۵۹	۷۸	۶۱	خواهر یا برادر بزرگ‌تر
۵۴	۳۱	۵۵	۴۳	عمو، دایی، خاله و عمه
۳۵	۲۱	۳۹	۳۲	پدربزرگ یا مادربزرگ
۷۷	۳۲	۸۵	۵۴	فرزندان فامیل

براساس نتیجه آزمون تی مستقل و با توجه به داده‌های جدول در گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، فرض برابری میانگین‌ها بین دختر و پسر در زمینه ارتباط با مخاطبان مختلف به زبان فارسی، با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود ($t=-21/13, P=0/000 < 0/05$). عدم برابری میانگین‌ها بین مرد و زن در گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ سال ($t=-14/13, P=0/000 < 0/05$) نیز مشاهده شد ($P=0/000 < 0/05$). تفسیر این یافته آنست که در مجموع، دختران بیشتر از پسران از زبان فارسی در تعاملات خویش استفاده می‌کنند. با توجه به اهمیت مؤلفه «تحصیلات» در مطالعات جامعه‌شناختی زبان، به بررسی تأثیر مؤلفه مزبور در حوزه کاربرد زبان فارسی مبادرت ورزیدیم. نظریه گروه سنی بالای ۵۰ سال، تعداد افراد تحصیل کرده بسیار اندک است و گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال گروه همگنی از نظر سطح تحصیلات است، به بررسی میزان کاربرد زبان در گروه سنی میانی ۲۵ تا ۳۵ سال پرداختیم. داده‌های جدول (۱۰) بیانگر نقش مؤلفه تحصیلات در گروه سنی مزبور دارد.

جدول ۱۰- کاربرد زبان فارسی در مردان و زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال

۲۵ تا ۳۵			گروه سنی مخاطبان
فوق لیسانس و دکتری	فوق دیپلم و لیسانس	زیر دیپلم	
۳۶	۲۲	۱۲	پدر و مادر
۷۲	۵۴	۱۰	خواهر یا برادر کوچک‌تر
۵۷	۴۱	۷	خواهر یا برادر بزرگ‌تر
۳۲	۲۵	۶	عمو، دایی، خاله و عمه
۱۹	۱۲	۴	پدربزرگ یا مادربزرگ
۷۴	۵۱	۴۳	فرزندان فامیل

نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=16/524, P=0/000 < 0/05$) و داده‌های جدول می‌تواند بیانگر تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه کاربرد فارسی در سطوح تحصیلی مختلف در ارتباط با مخاطبان باشد. براساس ارقام جدول می‌توان گفت که گرایش به استفاده از فارسی در سخنوران با مدرک زیر دیپلم، از بقیه رده‌ها کمتر است در حالی که با افزایش سطح تحصیلات، میزان استفاده از زبان فارسی نیز بیشتر می‌شود.

با توجه به نقش محوری عامل شهرنشینی در مطالعات جامعه‌شناسی زبان، به بررسی تأثیر مؤلفه مزبور بر کاربرد زبان مبادرت ورزیدیم. نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=18/124, P=0/000 < 0/05$) و داده‌های جدول پایین، حکایت از آن داشت که کاربرد زبان فارسی در سخنوران شهری به صورت معناداری نسبت به سخنوران روستایی در همه گروه‌های سنی بیشتر است.

جدول ۱۱- میزان آموختن زبان فارسی به‌عنوان زبان اول در سخنوران جامعه شهری و روستایی

روستا		شهر		محل سکونت رده سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۰	۸	۸۲,۵	۳۳	۱۲ تا ۱۷
۲,۵	۱	۱۷,۵	۷	۲۵ تا ۳۵
۰	۰	۵	۲	۵۰ سال و بیشتر

۵-۳- نگرش زبانی

از نظر جامعه‌شناسان زبان، باور و طرز نگرش اهل زبان درباره اهمیت و جایگاه اجتماعی یک آن موجب می‌گردد اهل زبان تمایل به استفاده از آن داشته باشند. پس از آزمودنی‌ها پرسیده شد که آیا دانستن گویش گنابادی را ضروری می‌دانند؟

جدول ۱۲- نگرش سه گروه سنی در باب ضروری بودن گویش گنابادی

مجموع		اصلا مهم نیست		کم		خیلی		میزان ضروری بودن گویش گنابادی رده سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۸۰	۷۳,۷۵	۵۹	۱۵	۱۲	۱۱,۲۵	۹	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۶۳,۷۵	۵۱	۲۲,۵	۱۸	۱۳,۷۵	۱۱	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۱,۲۵	۱	۱۰	۸	۸۸,۷۵	۷۱	۵۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۲۴۰	۴۶,۲۵	۱۱۱	۱۵,۸۳	۳۸	۳۷,۹۱	۹۱	کل آزمودنی‌ها

بر اساس نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=8/624, P=0/000 < 0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان بر تفاوت معنادار نگرش سخنگویان در گروه‌های سنی متفاوت مهر تأیید گذاشت. هرچه به گروه‌های سنی پایین‌تر پیش می‌رویم، گرایش به گویش گنابادی به شکل چشمگیری کمتر می‌شود. تفسیر این یافته مهم آنست که استفاده از گویش گنابادی در بین نوجوانان و جوانان، رفته‌رفته کم می‌شود و این از نشانه‌های تغییر زبانی است، چراکه اهل زبان، ضرورتی برای یادگیری و استفاده از گویش بومی خویش احساس نمی‌کند. نکته تأثیرگذار دیگر در تغییر زبانی، میزان علاقه‌مندی والدین به آموزش گنابادی است. بدین منظور، از آزمودنی‌های هر سه گروه سنی پرسیده شد که فرزندان خود را در گفت‌وگو به چه زبانی تشویق می‌کنند

جدول ۱۳- میزان علاقه‌مندی به آموزش گویش گنابادی در سه گروه سنی

مجموع		گنابادی		فارسی		علاقه‌مندی و تشویق فرزندان (آتی) به فراگیری گنابادی رده سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۸۰	۱۸,۷۵	۱۵	۸۱,۲۵	۶۵	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۴۵	۳۶	۵۵	۴۴	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۹۶,۲۵	۷۷	۳,۷۵	۳	۵۰ سال و بیشتر

تحلیل واریانس بین گروهی ($F=17/164, P=0/000 < 0/05$) و داده‌های جدول حکایت از تفاوت معنادار علاقه‌مندی به گویش گنابادی در گروه‌های سنی متفاوت داشت؛ با افزایش سن، میزان علاقه‌مندی والدین به استفاده فرزندان از گویش گنابادی بیشتر می‌شود، چراکه بیشترین علاقه‌مندی در گروه سنی ۵۰ سال به بالا مشاهده می‌شود و کمترین در گروه سنی

۱۲ تا ۱۷ سال. این یافته و اختلاف موجود در زمینه میزان علاقه‌مندی سخنوران به آموزش زبانی حکایت از تغییر نگرش زبانی در نسل‌های مختلف دارد. عامل دیگر در تغییر نگرش زبانی، زبان ارتباطی والدین است. زمانی که والدین علاقه‌ای به استفاده از گویش گنابادی در تعاملات بین‌فردی نداشته باشند، فرزندان نیز با الگوگیری از آنها تمایل چندانی نخواهند داشت. بدین منظور، از آزمودنی‌ها پرسیده شد که تا چه میزان تمایل دارند تا همسر (آتی) شان به زبان فارسی با آنها ارتباط برقرار کنند. در جدول (۱۴) میانگین پاسخ آزمودنی‌ها نشان داده شده‌است.

جدول ۱۴- میزان علاقه‌مندی سخنوران به برقراری ارتباط با همسر به زبان فارسی یا گویش گنابادی در سه گروه سنی

مجموع		گنابادی		فارسی		علاقه‌مندی در مورد نوع زبان همسر
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۸۰	۱۷,۵	۱۴	۸۲,۵	۶۶	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۶۵	۵۲	۳۵	۲۸	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۹۷,۵	۷۸	۲,۵	۲	۵۰ سال و بیشتر

براساس نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=9/181, P=0/001 < 0/05$) و با توجه به داده‌های جدول تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه میزان علاقه‌مندی به استفاده از زبان فارسی برای ارتباط با همسر آتی در گروه‌های سنی متفاوت مشهود است. نکته دیگر تمایز بین لهجه، گویش و زبان است. برخی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان زبان مانند هادسون (۱۹۸۰) به جای استفاده از سه اصطلاح مزبور ترجیح می‌دهند از اصطلاح خنثای گونه زبانی استفاده کنند. پس انتخاب هر یک از سه اصطلاح مزبور می‌تواند بیانگر نوع دیدگاه سخنوران باشد. با توجه به اینکه با آزمایش پرسشنامه‌ها مشخص شد که بسیاری از سخنوران به‌ویژه در گروه ۵۰ سال و بیشتر، آشنایی با اصطلاح گویش نداشته‌اند، از اصطلاح گویش استفاده نشد. نتایج عملکرد آزمودنی‌ها در جدول (۱۵) نشان داده شده‌است.

جدول ۱۵- نوع نگرش افراد بر مبنای انتخاب عناوین مناسب برای گنابادی

سایر		لهجه		زبان		عنوان مناسب
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷,۵	۶	۶۰	۴۸	۳۲,۵	۲۶	۱۲ تا ۱۷
۲,۵	۲	۴۳,۷۵	۳۵	۵۳,۷۵	۴۳	۲۵ تا ۳۵
۱,۲۵	۱	۲۷,۵	۲۲	۷۱,۲۵	۵۷	۵۰ سال و بیشتر

براساس نتیجه تحلیل واریانس بین گروهی ($F=7/261, P=0/001 < 0/05$) و با توجه به داده‌های جدول می‌توان تفاوت معنادار میانگین‌ها در زمینه میزان علاقه آزمودنی‌ها به انتخاب اصطلاح، لهجه یا زبان را تأیید کرد. مطابق با اعداد جدول بالا به ترتیب در ، سخنوران ترجیح می‌دهند تا از اصطلاح زبان در هنگام صحبت کردن در مورد گنابادی استفاده نمایند. آنگاه که لهجه یا زبان مورد نظر از شأن و منزلت اجتماعی ویژه برخوردار باشد، بروز و تجلی ویژگی‌های زبان‌شناختی آن گونه زبانی نیز مثبت تلقی می‌شود. به صورت مشخص، از آزمودنی‌ها پرسیده شد که آیا در صورت داشتن لهجه گنابادی در هنگام صحبت کردن به فارسی از شأن و اعتبار آنها کم می‌شود.

جدول ۱۶- نگرش سخنوران در مورد داشتن لهجه گنابادی در هنگام صحبت کردن به زبان فارسی

مجموع		اصلا مهم نیست		کم		خیلی		میزان کاهش لهجه گنابادی از اعتبار افراد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	رده سنی
۱۰۰	۸۰	۸,۷۵	۴۶	۲۷,۵	۲۲	۱۵	۱۲	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۷۰	۵۶	۲۳,۷۵	۱۹	۶,۲۵	۵	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۸۰	۶۴	۲۰	۱۶	۰	۰	۵۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۲۴۰	۱۵۸,۷۵	۱۶۶	۷۱,۲۵	۵۷	۲۱,۲۵	۱۷	کل آزمودنی‌ها

نتیجه تحلیل واریانس درون گروهی ($F=6/218, P=0/001 < 0/05$) و بین گروهی ($F=17/164, P=0/000 < 0/05$) و توجه به داده‌های جدول، نشان از تفاوت معنادار میانگین‌ها داشت. پس بیشتر سخنوران معتقدند که صحبت کردن فارسی با لهجه گنابادی از اعتبار آنها نمی‌کاهد؛ هرچند این نگرش، در سن بالای ۵۰ سال برجسته‌تر است. در وهله آخر، به صورت ویژه از گویشوران گنابادی سؤال شد که آیا از نظر آنها، گویش گنابادی رو به زوال است.

جدول ۱۷- نگرش سخنوران در باب زوال تدریجی گنابادی

مجموع		نمی‌دانم		خیر		بلی		زوال تدریجی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	رده سنی
۱۰۰	۸۰	۱۶,۲۵	۱۳	۲۲,۵	۱۸	۶۱,۲۵	۴۹	۱۲ تا ۱۷
۱۰۰	۸۰	۳۰	۲۴	۱۶,۲۵	۱۳	۵۳,۷۵	۴۳	۲۵ تا ۳۵
۱۰۰	۸۰	۲۲,۵	۱۸	۶,۲۵	۵	۷۱,۲۵	۵۷	۵۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۲۴۰	۲۲,۹۱	۵۵	۱۵	۳۶	۶۲,۰۸	۱۴۹	کل آزمودنی‌ها

نتیجه تحلیل واریانس درون‌گروهی ($F=3/128, P=0/001<0/05$) و بین‌گروهی ($F=14/124, P=0/000<0/05$) و همچنین، داده‌های جدول بالا، بیانگر تفاوت معنادار میانگین عملکردی هر گروه سنی در زمینه نوع نگرش آنها نسبت به زوال یا عدم زوال گنابادی بود.

۶- نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله شناسایی موقعیت اجتماعی و کاربردی گویش گنابادی در بین سخنگویان بومی شهر گناباد بود. برای نیل به این مهم، تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی مانند سن، تحصیلات، جنسیت و شهرنشینی بر بسامد کاربرد گویش گنابادی در حوزه‌های مختلف بررسی شد. از سویی دیگر نوع نگرش نسبت به گویش گنابادی در سه رده سنی بررسی شد. بر این اساس، مهم‌ترین یافته‌های مقاله عبارت‌اند از:

در حوزه خانواده شاهد سیر نزولی فراگیری گویش گنابادی به‌عنوان گونه زبانی نخست هستیم و در گروه‌های سنی بالاتر، بسامد کاربردی گنابادی بیشتر از فارسی است.

در حوزه مدرسه زبان فارسی زبان مسلط است که این می‌تواند از اعتبار و منزلت اجتماعی گویش گنابادی بکاهد و به تدریج به نگرش منفی نسبت به گویش گنابادی منجر شود.

در حوزه اداری کاربرد گسترده زبان فارسی در گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، بسیار بیشتر از دیگر گروه‌های سنی است و البته کاربست هر یک از دو گونه فارسی و گنابادی، تابعی از بافت موقعیتی است چراکه در تعامل با پزشک، بیشترین کاربرد زبان فارسی مشاهده می‌شود.

در حوزه شهری بین سن مخاطبان و کاربست زبان فارسی رابطه معکوس وجود دارد؛ در گروه‌های سنی بالاتر کاربرد زبان فارسی کاهش می‌یابد. از سویی دیگر، کاربست زبان فارسی، تابعی از موقعیت اجتماعی مخاطبان نیز است، به همین دلیل در تعامل با معلم بیشترین کاربرد زبان فارسی مشاهده گردید.

در حوزه مذهب، هنر و سرگرمی نیز شاهد بیشترین استفاده از زبان فارسی در گروه سنی پایین‌تر هستیم و با افزایش سن، این گرایش، کمتر می‌شود. به‌ویژه، از آنجاکه مذهب از درونی‌ترین حوزه‌هاست و تغییرات زبانی در این حوزه، معمولاً در کمینه‌ترین صورت ممکن قرار دارد، بی‌میلی به استفاده از گویش گنابادی، حتی در این حوزه خاص، می‌تواند بیانگر زوال تدریجی گویش گنابادی باشد.

بنابراین، برآیند عملکرد آموزشی‌ها در حوزه‌های خانواده، مدرسه، اداره، شهر، مذهب، هنر و سرگرمی، حکایت از ارتباط تنگاتنگ مؤلفه اجتماعی سن و کاربست زبان فارسی دارد، چراکه در

گروه‌های سنی پایین‌تر و در حوزه‌های موقعیتی مختلف و تعاملات بین‌فردی، شاهد کاربرد گسترده زبان فارسی هستیم. این یافته، همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین در گستره جغرافیای گویشی ایران (زندى، نصیری و رادنیری، ۱۳۹۴؛ فراستی، صابری و ویسی، ۱۳۹۷) و خارج ایران (وارداف و فولر، ۲۰۲۱؛ هولمز و ویلسون؛ ۲۰۲۱) است که بر نقش مهم مؤلفه سن در کاربرد زبان استاندارد تأکید ورزیده‌اند. این یافته، می‌تواند به معنای روند رو به افول کاربرد گویش گنابادی باشد.

از سویی دیگر، در حوزه خانواده، کاربرت بیشتر دختران نسبت به پسران، در گروه‌های سه‌گانه سنی، حکایت از تأثیر مؤلفه جنسیت در کاربرد زبان فارسی دارد. یافته مزبور، مهر تأییدی بر نتیجه پژوهش‌های ایرانی (زندى و همکاران، ۱۳۹۴؛ بشیرنژاد، ۱۳۹۷) و خارج از مرزهای گویشی ایران (کوتز، ۲۰۱۵؛ بوچولتز، ۲۰۰۲؛ بارون و پاندارووا، ۲۰۱۵؛ جنیو، ۲۰۱۴) دارد که بر نقش تأثیرگذار مؤلفه جنسیت بر کاربرد زبان استاندارد تأکید دارند. اینکه دختران نسبت به پسران گرایش بیشتری دارند تا از فارسی استفاده نمایند می‌تواند موجب افزایش فراگیری زبان فارسی در بستر خانواده باشد، چراکه دختران، مادران آینده، نقش محوری در زبان‌آموزی فرزندان برعهده دارند.

گرایش بیشتر سخنگویان با مدرک فوق لیسانس و دکتری به استفاده از زبان فارسی، نسبت به دیگر سخنگویان، با سطوح پایین‌تر تحصیلی حکایت از نقش بنیادین مؤلفه اجتماعی تحصیلات در کاربرت زبان معیار است. نقش تعیین‌کننده تحصیلات بر کاربرد گونه معیار، چه در جغرافیای گویشی ایران (قریشی، حاجی‌آبادی و مبارکی، ۱۳۹۳؛ احمدی و زندى، ۱۳۹۷؛ عزیزى و همکاران، ۱۳۹۷) و چه در خارج ایران (میلروی و میلروی، ۲۰۰۲؛ هورنبرگر و مک‌کی، ۲۰۱۰) تأیید شده است. رشد روزافزون قشر تحصیل کرده در جامعه و گرایش روزافزون آنان به استفاده از زبان فارسی، همگی، نشانگر کاهش تدریجی سخنوران گنابادی در آینده خواهد بود.

یافته‌ها حکایت از کاربرد گسترده زبان فارسی در میان شهریان نسبت به روستاییان در سطوح مختلف سنی دارد. پژوهش‌ها در جامعه‌شناسی زبان بر اهمیت مؤلفه شهرنشینی بر کاربرد زبان فارسی تأکید داشته‌اند (بشیرنژاد، ۱۳۹۷؛ مورتیمر و ورتهام، ۲۰۱۵؛ یئونو کوکور آویلا^۸

1. Coates
2. Bucholtz
3. Barron & Pandarova
4. Jinyu
5. Milroy & Milroy
6. Hornberger & McKay
7. Mortimer & Wortham
8. Jeon & Cukor-Avila

۲۰۱۶). با توجه به شیوع شهرنشینی در ایران، تمایل بیشتر ساکنان شهرنشین، در جهت کاربست زبان فارسی در تعاملات بینافردی، حکایت از زوال تدریجی گویش گنابادی دارد. گرایش بیشتر سخنگویان نوجوان و جوان گنابادی به گزینش عنوان لهجه برای گونه گنابادی، تمایل بیشتر آنها به بهره‌گیری از زبان فارسی برای ارتباط با همسر آینده و ترجیح بیشتر آنها به کاربست بیشتر زبان فارسی فرزندانشان، عواملی هستند که حکایت از نگرش مثبت سخنگویان گنابادی نسبت به زبان فارسی دارد. این یافته، بدان معناست که رفته‌رفته، گویش گنابادی، جایگاه اجتماعی خود را از دست داده‌است و این می‌تواند نشانه‌ای از تغییر زبانی باشد چون اهل زبان ضرورتی برای یادگیری و بهره‌گیری گویش بومی احساس نمی‌کنند. درنهایت، همه سخنگویان گنابادی در سه گروه سنی مورد مطالعه، نسبت به زوال تدریجی گویش گنابادی اتفاق نظر داشتند که این آشکارا حکایت از آن دارد که گویش مزبور در حال طی کردن روند زوال است. از این منظر، بر پایه چارچوب نظری پنج‌گانه مخاطره زبانی وورم (۲۰۰۲) و همسو با دیگر پژوهش‌های گویش‌های ایرانی، مانند زندگی، روشن و نصیری‌الموتی (۱۳۹۰)، قریشی حاجی آبادی و مبارکی (۱۳۹۳)، فرهمند (۱۳۹۶) و بشیرنژاد (۱۳۹۷) می‌توان اظهار کرد که گنابادی گویش در معرض خطر است، چراکه تنها گروه بزرگسالان مسن‌تر، تمایل به استفاده از گویش گنابادی دارند و اثری از آموزش گنابادی در خانواده‌ها به‌عنوان بنیادی‌ترین پایگاه ارتباطی مشاهده نشد.

پیوست (پرسش‌نامه پژوهش):

حوزه خانواده

- ۱) کدام یک از زبان فارسی معیار یا گویش گنابادی را به‌عنوان زبان اول در خانواده فراگرفته‌اید؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۲) شما به زبان فارسی بیشتر مسلط هستید یا گنابادی؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۳) در برقراری ارتباط با پدر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۴) در برقراری ارتباط با مادر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۵) در برقراری ارتباط با خواهر کوچک‌تر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۶) در برقراری ارتباط با برادر کوچک‌تر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟

- الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۷) در برقراری ارتباط با برادر بزرگ‌تر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۸) در برقراری ارتباط با خواهر بزرگ‌تر، از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۹) در برقراری ارتباط با عمو، دایی، عمه و خاله از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۰) در برقراری ارتباط با پدربزرگ یا مادربزرگ از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۱) در برقراری ارتباط با فرزندان فامیل از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □

حوزهٔ مدرسه

- ۱۲) در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان در حیاط مدرسه، بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۳) در برقراری ارتباط با مستخدم مدرسه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۴) در برقراری ارتباط با معلم در حیاط مدرسه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۵) در برقراری ارتباط با معلم در دفتر مدرسه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۶) در برقراری ارتباط با مدیر در دفتر مدرسه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۷) در برقراری ارتباط با معلم خویش در محیط کلاس از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □

حوزهٔ اداری

- ۱۸) در برقراری ارتباط با پزشک بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۱۹) در برقراری ارتباط با منشی پزشک از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □
 ۲۰) در برقراری ارتباط با کارمند از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
 الف) فارسی □ (ب) گنابادی □

حوزه شهری

- ۲۱) در برقراری ارتباط با معلم از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۲) در برقراری ارتباط با مغازه‌دار از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۳) در برقراری ارتباط با همسایه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۴) در برقراری ارتباط با جوان غریبه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۵) در برقراری ارتباط با شخص کهنسال غریبه از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۶) در برقراری ارتباط با راننده از زبان فارسی استفاده می‌کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی

حوزه مذهب، هنر و سرگرمی

- ۲۷) شما به خواندن یا شنیدن شعر به زبان فارسی بیشتر علاقه‌مندید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۸) شما علاقه‌مند به اجرا یا تماشای تئاتر به زبان فارسی هستید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۲۹) آیا شما بیشتر علاقه‌مند به تماشای اجرای موسیقی یا شنیدن موسیقی به زبان فارسی هستید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۳۰) تماشای فیلم سینمایی به زبان فارسی بیشتر برای شما جذاب است یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۳۱) شنیدن یا خواندن داستان به فارسی برای شما جذابیت بیشتری دارد یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۳۲) ترجیح می‌دهید که برنامه‌های تلویزیون را به زبان فارسی تماشا کنید یا گنابادی؟
الف) فارسی ب) گنابادی
- ۳۳) شما با چه زبانی با خدای خویش راز و نیاز می‌کنید؟
الف) فارسی ب) گنابادی

نگرش زبانی

- ۳۴) آیا از نظر شما دانستن گویش گنابادی ضروری است؟
الف) خیلی ب) کم ج) هرگز مهم نیست

- ۳۵) در حال حاضر، بیشتر فرزندان خویش را به گفت‌وگو با چه زبانی تشویق می‌کنید؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۳۶) در صورتی که در آینده صاحب فرزند شوید، بیشتر تمایل دارید کودکان خویش را به صحبت کردن به چه زبان یا گویشی تشویق کنید؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۳۷) شما بیشتر تمایل دارید که همسر آینده شما به زبان فارسی با شما ارتباط برقرار کند یا گنابادی؟
الف) فارسی □ ب) گنابادی □
- ۳۸) در هنگام صحبت کردن در مورد گنابادی، تمایل دارید تا از کدام یک از عناوین لهجه، زبان یا اصطلاحات دیگر استفاده شود؟
الف) زبان □ ب) لهجه □ ج) سایر □
- ۳۹) آیا در صورت داشتن لهجه گنابادی در هنگام صحبت کردن به فارسی از شأن و اعتبار اجتماعی شما کم می‌شود؟
الف) خیلی □ ب) کم □ ج) اصلاً مهم نیست □
- ۴۰) آیا از نظر شما گونه گنابادی رو به زوال است؟
الف) بله □ ب) خیر □ ج) نمی‌دانم □

منابع

- احمدی، س، زندی، ب. ۲۰۱۹. «بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی». *علوم اجتماعی*، ۱۲(۴۳): ۱۳۳-۱۶۴.
- بشیرنژاد، ح. ۱۳۹۷. «تحلیلی اجتماعی-زبان‌شناختی بر جایگاه و کاربرد مازندرانی و فارسی در استان مازندران». *زبان‌پژوهی (علوم انسانی)*، ۱۰(۲۷): ۱۱۹-۱۴۵.
- ذوالفقاری انارکی، س. ۱۳۸۱. «گویش بختیاری: بقا یا زوال؟». *انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)*، ۱(۱): ۱۴۷-۱۷۷.
- زندی، ب، روشن، ب و نصیری الموتی، س. ۱۳۹۰. «جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی در شهر تنکابن». *زبان و زبان‌شناسی*، ۷(۱۴): ۴۱-۵۵.
- زندی، ب، نصیری، پ و رادنبری، س. ا. ۱۳۹۴. «بررسی پدیده دوزبان‌گویی در شهر اردبیل از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۷(۱۳): ۸۹-۱۰۷.
- عزیزی، ک، عزیزی فر، ا، گوهری، ح و ولیدی، ش. ۲۰۱۸. «بررسی جامعه‌شناختی پدیده رمزگردانی دوزبان‌های کردی کله‌ری-فارسی در دانش‌آموزان». *تدریس‌پژوهی*، ۶(۳): ۳۹-۶۳.
- عموزاده، م. ۲۰۰۲. «همگرایی و دوزبان‌گویی در گویش مازندرانی». *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۶: ۱۳۹-۱۶۰.

- فراستی، ش، صابری، ک. و ویسی، ه. ۲۰۱۹. «فرسایش و تغییرات زبانی در کردی کلهری ایلامی‌های مقیم تهران». *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷(۲): ۹۵-۱۱۰.
- فرهمند، آ. ۱۳۹۶. «بررسی نقش عوامل اجتماعی در نابودی گویش بهدینان کرمان و تلاش برای نجات آن». *مطالعات ایرانی*. ۱۶(۳۱): ۱۴۱-۱۶۵.
- قریشی، م، حاجی‌آبادی، ن، و مبارکی، م. ۱۳۹۴. «گویش بیرجندی: بقا یا زوال؟». *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۹(۱): ۷۳-۸۶.
- کلباسی، ا. ۱۳۸۸. *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نرسیسیانس، ا. ۱۳۷۵. بررسی چندزبان‌گویی در شهر تهران. *نامه علوم اجتماعی*، ۸(۸): ۴۷-۸۰.
- Barron, A., & Pandarova, I. 2016. *The sociolinguistics of language use in Ireland. In Sociolinguistics in Ireland* (pp. 107-130). Palgrave Macmillan, London.
- Bucholtz, M. 2002. From 'sex differences' to gender variation in sociolinguistics. *University of Pennsylvania Working Papers in Linguistics*, 8(3): 4.
- Campbell, L. 1994. Language death//*Encyclopedia of Language and Linguistics*. Vol. 5.
- Coates, J. 2015. *Women, men and language: A sociolinguistic account of gender differences in language*. Routledge.
- Fasold, R. 1984. *The sociolinguistics of society*, Oxford, Basil Black
- Ferguson, C. A. 1959. Diglossia. *Word*, 15(2): 325-340.
- Fishman, J. 1996. *What Do You Lose When You Lose Your Language?* ERIC. London.
- Fishman, J. A. 1967. Bilingualism with and without diglossia; diglossia with and without bilingualism. *Journal of social issues*, 23(2): 29-38.
- Gal, S. 1979. *Language shift: Social determinants of linguistic change in bilingual Austria*. Academic Press.
- Holmes, J., & Wilson, N. 2017. *An introduction to sociolinguistics*. Routledge.
- Hornberger, N. H., & McKay, S. (Eds.). 2010. *Sociolinguistics and language education* (Vol. 18). Bristol: Multilingual Matters.
- Hudson, R. A. 1996. *Sociolinguistics*. Cambridge university press.
- Jana, P., & Anna, S. 2019. Language maintenance and language death: the case of the Irish language. *Russian Journal of Linguistics*, 23(1): 40-61.
- Janse, M. 2003. Language death and language maintenance: problems and prospects. *In Language Death and Language Maintenance: Theoretical, practical and descriptive approaches* (pp. 9-17). John Benjamins.
- Jeon, L., & Cukor-Avila, P. 2016. 6. Urbanicity and language variation and change: Mapping dialect perceptions in and of Seoul. *In Cityscapes and Perceptual Dialectology* (pp. 97-116). De Gruyter Mouton.

- Jinyu, D. O. N. G. 2014. Study on gender differences in language under the sociolinguistics. *Canadian Social Science*, 10(3): 92-96.
- Krauss, M. 1992. The world's languages in crisis. *Language (Baltimore)*, 68(1): 4-10.
- Mashayekh, T. 2002. *Study of the Usage of Gilaki and Farsi in Rasht MA dissertation*. Tehran Arts & Cultural studies research center, 1381.
- Milroy, J., & Milroy, L. 2002. Language in society: Sociolinguistics. In *An encyclopedia of language* (pp. 278-295). Routledge.
- Mortimer, K. S., & Wortham, S. 2015. Analyzing language policy and social identification across heterogeneous scales. *Annual Review of Applied Linguistics*, 35: 160-172.
- Ricento, T. 2012. Political economy and English as a 'global' language. *Critical Multilingualism Studies*, 1(1): 31-56.
- Wardhaugh, R., & Fuller, J. M. 2021. *An introduction to sociolinguistics*. John Wiley & Sons.
- Wurm, S. 2002. *Strategies for language maintenance and revival*. Language endangerment and language maintenance: introduction, ed. by David Bradley and Maya Bradley, 11-23.



The Analysis of the Position and Usage of Gonabadi Dialect

Omid Azad ^{1*}
Mojtaba Monshizadeh²

Received: 2021/08/25

Accepted: 2021/11/13

Abstract

This study was conducted with the aim of detecting the social status of Gonabadi dialect as one of the oldest dialects of Iran via the analysis of the effect of social parameters like age, education, gender, and urbanity upon the frequency of Gonabadi usage in diverse fields including family, school, art, office, alley and street, and hobby. Our method was field analysis and the recruited instruments included questionnaire and interview. The sampling method was random based on which our statistical society included 240 participants from three age groups of 12 to 17, 25 to 35 and 50 and more were selected proportionally and equally from each gender and from two urban and rural societies. The results demonstrated that Gonabadi was the dominant language of informal fields, specifically, family, though in the more formal fields including school and office, Persian was the dominant language. Also, the propensity to utilize Persian among female, young, educated and urban participants outweighed this tendency in the male, older, uneducated, and rustic counterparts. Hence, on the light of these results, it could be asserted that Gonabadi is undergoing gradual trend of extinction in the realm of great Khorasan.

Keywords: Gonabadi, Endangered dialect, Attitude, Extinction

1. Introduction

Language death is regarded as the degeneration of language variety as a result of gradual change toward a dominant language in communicative interactions. In fact, the emergence of this phenomenon creates diaglossia

1. Assistant Professor of Linguistics, Gonabad University, Gonabad, Iran (Corresponding Author)

*Email: oazad62@gonabad.ac.ir

2. Professor of Linguistics, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

based on which gradually the inferior language is utilized in more restricted contexts paving the way for its gradual death. In doing so, social variables like gender, age and urbanicity would play crucial role. Also, as any dialect is an indispensable aspect of each culture, its death could be regarded as the degeneration of a semio-cultural element. The issue of language death or degeneration would become more serious when we observe that the results of the recent scientific researches corroborate the degeneration of dialects because according to a pessimistic estimate, only 600 languages of the world have the chance to survive during a longer span of time. Henceforth, regarding the importance of Iranian dialects preservations, in this research, via conduction a field study in the city of Gonabad, we tried to investigate the sociolinguistic status of Gonabadi as one of the south western dialects of Iran through analyzing its frequency of usage in different fields and native speakers' attitudes toward it.

2. Theoretic framework

From sociolinguistic perspective, diglossia is a type of standardization based on which two varieties of a language live alongside each playing a crucial function. Fasold (1984) envisages diglossia as a kind of style shifting asserting that when dominant and inferior varieties are mingled, the status of diglossia would change. Fishman (1967, 1996), introducing his extended theory, emphasizes on the co-existence of standard language and regional dialects pointing out that today standard language has transformed into the common language of bilingual or multilingual societies. So, according to this theory, the regional dialect or language is utilized more in friendly settings like family while formal language like standard Persian is recruited in formal and educational settings. Ricento (2012), proposing social hierarchy of dialects and languages, believes that social hierarchy is imposed by political figures or popular media and in doing so, vernacular tongue gains low social prestige and is utilized extensively in interpersonal and informal interactions. In this hierarchy, there is another variety possessing high social prestige and is utilized more in formal interactions. In societies where social inequality is predominant, the majority of people are incapable of utilizing the standard language. Wurm (2002), proposing language endangerment theory, considers four levels of potentially endangered, endangered, seriously endangered, and completely endangered (death). Nercisance suggests three levels of diglossia in Iran including the co-existence of colloquial with literary Persian, the co-existence of standard Persian with

a regional dialect and the co-existence of standard Persian with a regional language.

3. Methodology

Our method was field analysis and the recruited instruments included questionnaire and interview. The sampling method was random based on which our statistical society included 240 participants from three age groups of 12 to 17, 25 to 35 and 50 and more, were selected proportionally and equally from each gender and from both urban and rural societies

4. Results and Discussion

The results demonstrated that Gonabadi was the dominant language of informal fields, specifically, family, though in the more formal fields including school and office, Persian was the dominant language. Also, the propensity to utilize Persian among female, young, educated and urban participants outweighed this tendency in the male, older, uneducated and rustic counterparts. Hence, on the light of these results, it could be asserted that Gonabadi is undergoing gradual trend of extinction in the realm of great Khorasan.

5. Conclusions and Suggestions

The overall performance of the participants in different fields including family, school, office, city, religion, art and amusement is indicative of a close relationship between the social variable of “age” and “Persian usage” with younger participants being more inclined to utilize Persian in these fields than their older counterparts. On the other hand, the important roles of the variables of “gender”, “education”, and “urbanity” in the use of Persian and Gonabadi were corroborated. Girls’ more robust propensity to utilize Persian than boys leads to the increase of Persian language acquisition in the family context, because girls as future mothers would play pivotal role in language learning of their children. Also, participants with M.A and Ph.D degree had a much stronger propensity to utilize Persian than other individuals. Regarding “urbanity”, our findings demonstrate the more extensive use of Persian language among city inhabitants compared to village inhabitants. Concerning the extension of urbanicity in Iran, more robust propensity of city inhabitants to utilize Persian language in their interpersonal interactions, is indicative of a gradual erosion and death of Gonabadi dialect.

Furthermore, the positive attitudes of most speakers toward the use of Persian language, demonstrates that Gonabadi is losing its social status as the frank attitude of the speakers about the gradual erosion of this dialect indicated a vivid language change.

Since languages and dialects comprehensively foreshadow the culture of each country and play a pivotal role in the representation of the customs, traditions and social events of each nation, any attempt to preserve Gonabadi inheriting the linguistic properties of Classical Persian, could also be regarded as an attempt to preserve the enriched treasure of Persian language.

Select Bibliography

- Fasold, R. 1984. *The sociolinguistics of society*. Oxford: Basil Black
- Ferguson, C. A. 1959. Diglossia. *word*, 15(2), 325-340.
- Fishman, J. 1996. *What Do You Lose When You Lose Your Language?* ERIC: London.
- Fishman, J. A. 1967. Bilingualism with and without diglossia; diglossia with and without bilingualism. *Journal of social issues*, 23(2), 29-38.
- Gal, S. 1979. *Language shift: Social determinants of linguistic change in bilingual Austria*. Academic Press.
- Krauss, M. 1992. The world's languages in crisis. *Language (Baltimore)*, 68(1), 4-10.
- Nercissiance, E. 1996. The analysis of Multilingualism in Tehran. *Letter of Social Science*, 8(8), 47-80 [In Persian].
- Ricento, T. 2012. Political economy and English as a 'global' language. *Critical Multilingualism Studies*, 1(1), 31-56.
- Wurm, S. 2002. Strategies for language maintenance and revival. *Language endangerment and language maintenance: introduction*, ed. by David Bradley and Maya Bradley, 11-23.